

نمایشنامه

پُرسِشِنامِه

یا

اطلاعاتِ عمومی برای مسئولینِ عالی رتبه

تابستان ۹۹

۱

پرسشنامه یا اطلاعات عمومی برای مسئولین عالی رتبه

پرسشنامه یا اطلاعات عمومی برای مسئولین عالی‌رتبه

آدمها

دختر

کارگر

صحنه

سرگذر

وسایلِ صحنه

کلاسور، خودکار و چند ورق کاغذ

یک بغچه که نمی‌دانیم درونش چیست

و دیگر هیچ...

هرگونه اجرا (صحنه‌ای، خیابانی، رادیویی) و انتشار این نمایش نامه بلامانع و آزاد می‌باشد

با امید به آگاهی روزافزون زنان و مردانِ کارگر

این نمایشنامه تقدیم می‌شود به کارگرانِ ساختمانی

دختر با لوندی و عشوه و قِر و قمیش، با یک
کِلا سور پُر از ورقه در بغل و خودکاری در دست که
گاهی لای دندان‌هایش می‌گذارد و با نوکِ انگشت
با آن بازی می‌کند، به سراغِ کارگری می‌رود که با
بغچه‌ای زیر بغلِ سرِ گذر چُمباتمه زده.

دختر سلام عرض کردم آقای محترم

کارگر (از جا جهیده و با ذوق) کارگر می‌خوای؟

دختر عرض کردم سلام

کارگر علیک سلام، خوبی دخترخاله؟ کارگر می‌خوای؟

دختر (می‌خندد) کارگر نمی‌خوام نه. یه سؤال داشتم از خدمتتون

کارگر سؤال؟ سؤالِ چی؟

- دختر در واقع سؤالم اینه که... اووووم... آااااووووم.... می تونم یه چند تا سؤال از خدمتتون بپرسم؟ برای این پرسشنامه
- کارگر من کارگرم دخترخاله، سؤال بلد نیستم
- دختر نه، سؤال رو من می پرسم، شما فقط باید به سؤالات من جواب بدین.
- کارگر سؤال چی می پرسی دخترخاله؟ اصول دین؟
- دختر (می خندد و با خنده هایش دلبری هم می کند) خیلی باحال بود. نه اصول دین نمی پرسم ازتون. ببینین، من اینجا یه پرسشنامه دارم که سؤالاتم رو از روی این پرسشنامه می پرسم و با جوابای شما این جدول رو پُر می کنم.
- کارگر ها...
- دختر البته اگه دوست داشته باشین می تونین خودتون پرسشنامه رو بخونین و پُر کنین.
- کارگر نه، شما خودت بهتر می پرسی. بپرس، من بگم.
- دختر ممنون... ا... اووووم، خب سؤال اول...
- کارگر (پیش از سؤال اول وسط حرفش می پرد) دخترخاله نگفتی برا چی می پرسی حالا؟

دختر آها. ببخشید، من یادم رفت همون اول بگم. این پرسشنامه
یه کار پژوهشی بر اساس مصاحبه و تحقیقات میدانی هست
که توسط کارشناسای «سازمان بررسی کمبودهای اجتماعی
و مدیریت بحران نارضایتی‌های عمومی» طراحی شده

کارگر سازمان چی؟

پرشسگر «سازمان بررسی کمبودهای اجتماعی و مدیریت بحران
نارضایتی‌های عمومی»

کارگر هاااا... پس سوالاتون بحرانیه

دختر نه سوالات بحرانی نیست. (می‌خندد) اصلاً بگذریم. آمادگی
دارین که شروع کنیم؟

کارگر آمادگی چی؟

دختر (می‌خندد) بپرسم؟

کارگر استخاره می‌کنی دخترخاله؟ بپرس دیگه

دختر سین؟

کارگر سین؟ چرا از اسم و فامیل شروع نمی‌کنی؟ شماره
شناسنامه... نام پدر و مادر

دختر اسم و فامیل نداریم تو پرسشنامه.

کارگر خب شما الان این سؤال رو فقط از من می‌پرسی یا از بقیه هم سؤال می‌کنی

دختر نه، خیلیا باید این پرسشنامه رو پر کنن

کارگر خب اینجوری که نمی‌شه دخترخاله، سنا همه با هم قاطی میشه که. معلوم نمیشه کی بیست سالشه، کی چهل سالشه، کی شصت سالشه

دختر باشه حالا شما اسمتو بگو من اسم جنابعالی رو این بالا مینویسم

کارگر خب اگه فقط اسم منو بنویسی که میشم گاو پیشونی سفید که دخترخاله

دختر (کم‌کم در حال کلافه شدن است) باشه. مینویسم. میشه انقدر هم به من نگیین دخترخاله؟

کارگر چی بگم؟ بگم پسرخاله؟

دختر اصلاً ولش کن آقا. شغلتون...

کارگر چهل و پنج

دختر (با تعجب) چهل و پنج؟ یعنی چی چهل و پنج؟ شغل چهل و پنج؟

کارگر جواب سؤال قبلی بود

دختر	آهان... ببخشید اصلاً حواسم به گُلی پرت شد. پس سن شد چهل و پنج (و یادداشت می کند)
کارگر	نه، چهل و یک
دختر	(خط می زند) چهل و یک
کارگر	نه، پنجاه و سه
دختر	(عصبی خط می زند) ... بالاخره چند؟ پنجاه و سه، چهل و یک؟ چهل و پنج؟ چند؟
کارگر	سی و شیش
دختر	مسخره می کنین؟ واقعاً که...
کارگر	چه فرقی می کنه دخترعمو، برگه که اسم نداره، اصلاً بزنی بیست سال
دختر	(نگاهی سرزنش آمیز به کارگر همراه با نفسی عمیق که با شدت بیرون می دهد و بعد از کمی مکث) می خواین سؤالا رو ادامه بدیم یا نه؟
کارگر	بپرس دیگه دخترعمو.
دختر	وضعیت تأهل، مجرد یا متأهل؟
کارگر	سنّ و چند زدی اونجا

- دختر سنّ و بعداً خودم می‌زنم
- کارگر خب سنّ رو هر چی که زدی مجرّد و متأهلش هم هر جور دوست داشتی بزنی، سنّمو پایین زدی بزنی مجرّد، بالا زدی بزنی متأهل. یا اصلاً برعکس بزنی
- دختر شما مثل اینکه خیلی دوست نداری همکاری کنی نه؟
- کارگر نه، خداوکیلی هر چی پرسیدی جواب دادم دیگه. همکاری می‌کنم
- دختر اگه از میزانِ اهمّیتِ این قبیل پرسشنامه‌ها باخبر بودین بعد از هر سؤال یک جواب سرراست می‌دادین. ولی قطعاً نمی‌دونین چقدر اهمّیت داره
- کارگر برا کی اهمّیت داره؟
- دختر برای «سازمانِ بررسیِ کمبودهای اجتماعی و مدیریتی بحرانِ نارضایتی‌های عمومی»
- کارگر چقدر اهمّیت داره؟
- دختر (با اغراق) خیلی
- کارگر «هااااااااااا.....»
- دختر «ها» چیه دیگه؟

کارگر

«ها» علامتِ تعجب

کم کم لحنِ دخترِ حالتی از تحکم به خود می‌گیرد

دختر

تعجب ندارد. می‌دونی چند نفر کارشناس و متخصص مسائل اجتماعی و اقتصادی و مدیریتی و فرهنگی نشستند سؤال طراحی کردن،

کارگر

(شرمنده شده) دستشون درد نکنه،

دختر

(کاملاً جدی) جواب این سؤالاً به عنوانِ نتایج یک پژوهش میدانی تبدیل به یه سری متغیر و پارامترای قابلِ سنجش میشه و میره تو جدول و نمودار و نرم‌افزارای تحلیلِ کمی و کیفی. بیلانی که از براینده این فرایند به دست میاد روی تصمیم‌گیریه‌های مسئولین سازمان خیلی تأثیر داره. فقط اینو بدون که هر جوابی که بدی مستقیماً تو زندگی خودت و خانواده‌ت تأثیرش رو می‌ذاره

کارگر

هااااااااااا.....

دختر

ها چی؟ ها درست و سرراست جواب میدی یا باز می‌خوای بازی دربیاری؟

کارگر

ها؟؟

- دختر لطفاً هر سؤالی که می‌پرسم بدونِ پس و پیش، بدون شوخی و مسخره‌بازی جواب بده. مفهومی؟
- کارگر رو چشم‌ام دخترعمو، شما بی‌پرس
- دختر دیگه هم به من نگی دخترعمو که این پرسش‌نامه رو با کلاسورش فرو می‌کنم تو خلقت، ok؟
- کارگر ها؟ ها... ok...
- دختر تعداد فرزندان...
- کارگر زنده یا مرده؟
- دختر یعنی چی زنده یا مرده؟
- کارگر تعداد فرزندانِ زنده رو بگم یا مرده یا فرق نمی‌کنه؟
- دختر (با همان اخم و جدیت، پس از مکثی کوتاه) فقط زنده‌ها.
- کارگر چهارتا
- دختر چهارتا؟ چهارتا بچه‌ی زنده دیگه؟
- کارگر نه،، شیش تا
- دختر (کلاسورش را با یک دست عقب می‌برد تا محکم بزند توی صورتِ کارگر) من و مسخره می‌کنی؟

کارگر خدا شاهده دو تا برادرزاده هم دارم که خرجشون با منه، عینِ بچه‌های خودم

دختر چرا؟

کارگر برادرم سرِ کار تیرآهن خورد تو سرش، عُمرش رو داد به شما، مسئولیتِ بچه‌هاش رو هم داد به ما

دختر اونا قبول نیستن. فقط بچه‌هایی که اسمشون تو شناسنامه‌ی خودت هست

کارگر خب شما که اسم و شماره شناسنامه و کارت‌ملی نپرسیدی. کی می‌فهمه که اینا تو شناسنامه هستن یا نه. اصلاً بنویس هشت‌تا. یک بچه‌م که همون اوّل سرِ زامرد، یک بچه‌م هم تو خیابون ماشین بهش زد، بیمارستانِ دولتی به خاطر کمبودِ جا نداشت بخوابونیمش، بیمارستانِ خصوصی هم به خاطر کمبودِ پول زَدش کرد. تَلَف شد رفت. ولی اسمش تو شناسنامه و عکسش رو طاقچه هست هنوز. بنویس هشت‌تا

دختر (چپ‌چپ به کارگر نگاه می‌کند و می‌نویسد و زیر لب با حرص تکرار می‌کند) هشت فرزند... می‌خوای بیشتر بنویسم؟ ها؟ بچه‌های خواهر، فک و فامیلِ دیگه، یتیم متیم اگه بازم سراغ داری بگو بنویسم. خجالت نکش

کارگر	غمزده و بی حوصله) من از پس همین شیش تا هم برنمیام دختر عمو
دختر	شاید فکر کردی به ازای هر بچه یه کیسه برنج می‌خوان بفرستن دمِ خونه‌ت
کارگر	(با همان حالِ غمزده و بی حوصله) گوه خورده هر کی بخواد کیسه برنج بفرسته
دختر	(با چشم‌هایی گرد شده و متعجب) با کی بودی؟
کارگر	با اونى که بخواد کیسه برنج بفرسته دمِ خونه
دختر	منم نگفتم کسی قراره کیسه برنج بفرسته
کارگر	منم گفتم اگه بخواد بفرسته هم گوه خورده بفرسته.
دختر	این چه طرز حرف زدنه، خجالت بکش
کارگر	تموم شد سؤالات؟
دختر	نخیر.
کارگر	سؤال بعد
دختر	شغل
کارگر	کارگر

دختر	(یادداشت می کند) کارگر
کارگر	نه، بیکار
دختر	«کارگر» یا «بیکار»؟
کارگر	«کارگرِ بیکار»
دختر	نمیشه که، یا کارگری، یا بیکاری
کارگر	کارگرِ بیکارم
دختر	بین چی بهت میگم. این جوابا رو اگه تو کامپیوتر بزنی سیستم پَس می زنه، هنگ می کنه، بالا میاره. میفهمی یا نه؟
کارگر	نه
دختر	نمی فهمی دیگه. چاره چیه... (کلافه به سراغ سؤال بعدی می رود) محل کار
کارگر	نمی دونم
دختر	یعنی چی نمی دونم؟
کارگر	یعنی چی نداره دیگه، نمی دونم
دختر	مگه میشه آدم ندونه محل کارش کجاست؟؟

حالا لحنِ کارگر غالب می‌شود و دختر را عقب می‌راند

- کارگر الان شما کجا وایستادی؟
- دختر چرت و پرت می‌پرسی از من؟ یعنی چی؟
- کارگر چرت و پرت چیه خواهر من. الان بنده‌ی کارگرِ بیکار با شما کجا وایستادیم داریم حرف می‌زنیم
- دختر «تو خیابون، سرِ چهارراه»
- کارگر آه... اینجا الان برای شما «تو خیابون سرِ چهارراه»، ولی برای من سرِ گذره.
- دختر پس یعنی محلّ کار بنویسم سرِ گذر؟
- کارگر تا حالا دیدی کارگر مقنّی سرِ گذر چاه بکنه؟ یا کارگر بنا سرِ گذر آجر بندازه بالا؟ یا کارگر گچ کار سرِ گذر بشینه برا خودش استانبولی گچ بسازه شمشه بکشه و ماله بماله؟ ها؟ دیدی؟
- دختر من چه می‌دونم، من که کارگر نیستم.
- کارگر تو هم کارگری خودت خبر نداری خواهرجان
- دختر من نه کارگرم، نه خواهر و مادرت، نه ایل و قبیله‌ت. قرار شد سؤال پرسیدم جوابِ سراسر است بدی

کارگر
خب می‌پرسی محلّ کارت کجاست، میگم نمی‌دونم، از این
سرراست‌تر؟ من میام سرگذر، ولی اینجا که کار نمی‌کنم.
یکی الان بیاد بگه بریم سر زمین تو دُقوزآباد پی بکنیم،
میگم رو چشمام، بریم. یکی بیاد بگه بریم یالغوزآباد سقفِ
ساختمون رو ضربی بزنینم، میگم یا علی، بریم. پیمانکار
شهرداری بیاد بگه علفای پارک مَرَمَر و بولوارِ دَرَدَر و میدونِ
قَرَقَر بلند شده بریم علف جمع کنیم میگم بریم. خاور بیاد
بگه اثاث و یخچال و کُمد و کنسول می‌بری طبقه هفتم،
ازش نمی‌پرسم جاش کجاست. می‌پرسم چند میدی...

دختر
باشه، نمی‌خواد ادامه بدی... محلّ کار می‌زنم سیّار

کارگر
هرچی دلت خواست بنویس

دختر
میزان تحصیلات

کارگر
فوق لیسانس میکروبیولوژی

دختر
(با چشمان گرد شده و متعجب و لحنی با احترام) واقعاً راست
میگین؟

کارگر
شاید هم بیشتر

دختر
(با تردید) مسخره می‌کنین؟

کارگر
مگه میزان تحصیلات نپرسیدی؟

دختر	چرا...!
کارگر	خیلی خب... فوق لیسانس میکروبیولوژی
دختر	اونوقت می تونم بیرسم توی کدوم دانشگاه؟
کارگر	(با تمسخر و دهن کجی) هه... کدوم دانشگاه... فقط همین رو بلدین، کدوم دانشگاه، دولتی یا آزاد؟ بالا یا پایین؟ شبانه یا روزانه (با تحکم و آخم) تو خودت چی خوندی؟ کجا خوندی؟ ها؟
دختر	من؟(خجالت زده و با سری پایین و صدایی ضعیف) اولش حسابداری خوندم، بعد رفتم معماری
کارگر	(با خشونت) بلندتر، نشنیدم
دختر	(بلندتر، اما با صدایی لرزان) حسابداری خوندم، بعد تغییر رشته دادم رفتم معماری
کارگر	کدوم دانشگاه؟
دختر	(دوباره با خجالت و آرام) آزاد
کارگر	نشنیدم، بلندتر
دختر	دانشگاه آزاد، کارشناسی معماری دانشگاه آزاد
کارگر	تموم کردی؟

- دختر نه هنوز چند ترم مونده
- کارگر برو سؤال بعد
- دختر (با همان شرم و خجالت و صدای لرزان. از نوشتن یادش رفته) ببخشید... میشه یه سؤال بپرسم
- کارگر از اول هم قرار بود سؤال بپرسی، داری می‌پرسی دیگه
- دختر نه این سؤال ربطی به پرسشنامه نداره، برا خودم می‌پرسم
- کارگر سؤال بی‌ناموسی نباشه فقط، هرچی می‌خوای بپرسی بپرس
- دختر چی شد که شما با فوق لیسانس میکروبیولوژی اومدین اینجا سر گذر کارگری کنین؟
- کارگری تو چی شد که با کارشناسی معماری دانشگاه آزاد برگه‌ی سؤال زدی زیر بغلت سر گذر و تو خیابون دوره می‌چرخي؟
- دختر (سعی می‌کند طبیعی جلوه کند) خب راستش... اوووم... خب حقیقتش تجربه‌ی خیلی جالبیه
- کارگر زرِ مفت نزن دختر جان. تجربه‌ی جالبیه چه کوفتیه دیگه. به خاطر پول تو این آفتابا راه افتادی.
- دختر خب بالاخره پول هم میگیرم. هرچند خیلی به پولش احتیاجی ندارم، ولی...

کارگر حرفش را قطع می‌کند) خیلی هم به پولش احتیاج داری. هم برای شهریه‌ی دانشگاه، هم برای کِرم و پودر و ماتیک و رنگ و میس لب و لوجه و مو...

دختر عصبانی و تقریباً پرخاشگر از واقعیتی که بیان شده) خب حالا من دلم می‌خواد روی پای خودم وایستم و تا زمانیکه مدرکم رو بگیرم سرِ کار برم و خرجم رو دربیارم. شما با مدرکِ فوق لیسانس میکروبیولوژی چرا سرِ گذر وایستادی آقای محترم؟

کارگر مدرک کجا بود آجی؟ شما پرسیدی میزان تحصیلات، منم گفتم فوق لیسانس میکروبیولوژی، شاید هم بیشتر.

دختر یعنی چی؟ یعنی از دانشگاه انصراف دادین، یا هنوز در حال خوندنین؟

کارگر تو چقدر خنگی دختر جان. (و با آرامش تعریف می‌کند) ما تو یک کارخونه‌ی مواد غذایی کار می‌کردیم. من تو قسمتِ بسته‌بندی و انبار بودم. یک جوونی بود اسمش یادم نیست، بچه‌ی خوشتیپی هم بود. قد بلند، با تربیت...

دختر خب؟

کارگر یک مدّت او مد تو همون کارخونه‌ی مواد غذایی تو بخش بسته‌بندی که ما بودیم. تو همون سوله...

- دختر خب؟
- کارگر فرستادنش پای دستگاه سیلفون کشی.
- دختر خب؟
- کارگر بنده خدا خیلی با کارش حال نمی کرد، همه ش هم می گفت
من قرار بوده برم تو آزمایشگاه کار کنم و فلان کنم و ویسار
کنم...
- دختر خب؟
- کارگر خلاصه که یه روز انقدر که ملنگ بود تنظیم دستگاه از
دستش در رفت و یک ریدمون کاری راه افتاد که نمیشد
جمعش کنی.
- دختر (کنجکاو شده) خب؟
- کارگر جنسا حروم شد. فیوزای برق سوله پرید، تسمه ی نوار نقاله
گیر کرد پاره شد... خلاصه کثافت کاری
- دختر خب؟
- کارگر سرکارگر اومد تا جایی که بلد بود و یاد گرفته بود لیچار و
فحش بارش کرد. اونم صداشو بلند کرد که من فوق لیسانس
میکروبیولوژی دارم،
- دختر خب؟

کارگر سرکارگر هم صداشو بلندتر کرد و گفت تو اندازه گاو هم نمی فهمی...

دختر چه بی ادب... خب؟

کارگر اون بنده خدا هم جوون بود غرور داشت بهش برخورد. جمع کرد رفت برا تسویه...

دختر خب؟

کارگر هیچی دیگه، دستگاه سلفون کشی موند بی اُپراتور. گفتن کی وامیسته پای دستگاه، من داوطلب شدم

دختر خب؟

کارگر همین دیگه. بچه های کارخونه می گفتن تو پای دستگاهی و استادی کار می کنی که فوق لیسانس میکروبیولوژی ای که اندازه ی گاو نمی فهمید پاش ریده بود. میگفتن تو میزان تحصیلاتت اندازه ی فوق لیسانس میکروبیولوژیته. شایدم بیشتر. خلاصه تا روزی که دسته جمعی اخراجمون کردن من عین یک فوق لیسانس میکروبیولوژی پای دستگاه بسته بندی داشتم سلفون میکشیدم

دختر (از عصبانیت دندان هایش را به هم می سایید) دلم می خواد دهنمو باز کنم هر چی که لایقته بهت بگم...

- کارگر احتمالاً تو هم که مدرکتو بگیری، یک روزی، یک جایی،
یک نفر بهت می‌گه اندازه‌ی گاو نمی‌فهمی.
- دختر اون‌ی که اندازه‌ی گاو نمی‌فهمه تویی نه من
- کارگر می‌خوای اون ورقه‌ها رو بده من ازت بپرسم، تا بفهمی کی
می‌فهمه
- دختر لازم نکرده
- کارگر هر ورقه سوآلی که پُر کنی چقدر میدن؟ ارزش داره به
خاطرش اندازه‌ی لیسانس معماری دانشگاه آزاد خرج کنی؟
- دختر (نمی‌خواهد بحث کند. خیلی جدی...) ببین آقای محترم
کارگرِ بیکار... این پرسشنامه رو یه سری کارشناس و
متخصص تهیه کردن. براش وقت صرف کردن، به خاطرش
هزینه شده. اگه می‌خوای سوآلا رو به مسخره بگیری
صادقانه بگو من برم سراغ یه نفر دیگه کاغذ و الکی حروم
نکنم.
- کارگر خداوکیلی چون گفתי صادقانه، بپرس. قشنگ جواب میدم
- دختر قول میدی مسخره بازی نکنی و جواب سراسر است بدی؟

کارگر وَاَلِهْ تا اینجا که مسخره بازی نبوده ولی قول مردونه که از الان هر چی پیر سی جوابای مسخره بدم که به کارت بیاد... یعنی در اصل به کار کارشناساتون بیاد

دختر خدایا منو نجات بده

کارگر پیرس دخترخاله، پیرس

دختر خب، این چند تا سؤال چند گزینه‌ایه. یعنی از بین چندتا گزینه باید یکی رو بگی... خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد... OK؟

کارگر برو بریم

دختر میزان رضایت از شغل؟

کارگر خیلی زیاد

دختر واقعاً؟

کارگر دخترخاله اون برگه ها رو باید پُر کنی، کُلی کارگر دیگه هم سر گذر منتظرن بری سراغشون ها... سریع پیرس بره رد کارش دیگه. (سرحال و قیراق پاسخ می‌دهد)

دختر (بُهت زده و شُل و وارفته) باشه. خیلی زیاد (و روی برگه تیک می‌زند) میزان درآمد ماهیانه، خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد

کارگر	(بلافاصله) خیلی زیاد
دختر	میزان رضایت از درآمد ماهیانه، خیلی کم، کم، متوسط....
کارگر	(وسط حرف می‌پرد) خیلی زیاد... سؤال بعد
دختر	زمانی که در هفته صرف تفریح در کنار خانواده می‌شود، خیلی کم، کم....
کارگر	خیلی زیاد
دختر	حجم مسافرت‌های غیر کاری در داخل کشور
کارگر	خیلی زیاد، اصلا ما دائم در مسافرتیم
دختر	حجم مسافرت‌های غیر کاری به خارج از کشور....
کارگر	خیلی زیاد
دختر	سرانه‌ی مصرف گوشت در سبد خانوار...
کارگر	خیلی زیاد
دختر	سرانه‌ی مصرف میوه
کارگر	خیلی زیاد. آجیل هم اگه تو سؤالا هست بزن خیلی زیاد، درحد پسته و بادوم هندی و گردو و اینا... از این چیزا

**دختر سکوت می کند. گیج است و بی تاب از اینهمه
جوابِ سر بالا.**

- کارگر بازم سؤال داری؟
- دختر میزان رضایت از زندگی
- کارگر خیلی زیاد
- دختر یه سؤال بپرسم؟
- کارگر پس اینایی که پرسیدی چی بود؟ سؤال نبود؟
- دختر نه، یه سؤال دیگه، که ربطی به این پرسشنامه نداره
- کارگر فقط سؤال بی ناموسی نپرسی که من زن و بچه دارم
- دختر چرا دوست نداری واقعیت رو بگی
- کارگر اونجا که واقعیت رو میگفتم هی می گفتی کامپیوتر
نمی فهمه، قاطی می کنه،
- دختر ایناها رو چرا دروغ میگی؟ تو واقعاً از کار و شغل راضی ای؟
- کارگر مثلاً من الان بگم از کارم راضی نیستم اون سازمان اسمش
چی بود؟
- دختر «سازمان بررسی کمبودهای اجتماعی و مدیریت بحران
نارضایتی های عمومی»

کارگر ها، همون... الان اینا بفهمن من از کار و شغل و درآمد
راضی نیستم میان منو می برن یه جا سرِ کاری که دوست
دارم میذارن؟

دختر نه

کارگر حقوقی که می خوام بهم میدن؟

دختر نه

کارگر ما شین در اختیار می ذارن میگن بیا دست زن و بچه تو بگیر
برو مسافرت؟

دختر نه، معلومه که نه

کارگر ببخشید آجی، شرمنده، بی ادبی هم هست، ولی اینا فقط
می خوان اطلاعات عمومی مسئولین رو زیاد کنن و بدونن تا
کجا می تونن فرو کنن، غیر اینه؟

دختر سکوت می کند

کارگر من این سؤالا رو که جواب دادم به خاطرِ گلِ روی خودت بود
که تو این آفتاب به خاطرِ چندرغاز راه افتادی کاغذ سیاه
کنی، وگرنه ما خیلی وقته از دولت و سازماناش و کارشناساش
و پاسبوناش و جیره خوراش و مزدوراش دل کنسیم.

- دختر ایشالَه یه روز یکی یه بمب میزنه وسطِ این مملکت همه‌مون
راحت میشیم
- کارگر جواب حرفت نبا شه دختر خاله **گوه** خورده هرکی بخواد بمب
بزنه وسطِ این مملکت
- دختر اینا که خودشون بلد نیستن درست کنن، لااقل یکی دیگه
بیاد خراب کنه از اوّل درست کنه
- کارگر اونوی که بیاد خراب کنه به نیتِ درست کردن نمی‌کوبه. به
فرض محال که نیتش درست کردن باشه، همچین که
بکوبه همه‌مون له شدیم. به خاطرِ همین **گوه** خورده بیاد
بکوبه و خراب کنه... ما کارگرا خودمون درستش می‌کنیم.
- دختر چه جوری؟ بلدین؟
- کارگر داریم یاد میگیریم. از همدیگه یاد می‌گیریم. شما غصّه‌ی
اونو نخور.
- دختر (اصرار دارد) میگم چه جوری؟
- کارگر باید کارگر باشی تا بفهمی چه جوری
- دختر منم می‌تونم یاد بگیرم؟
- کارگر اوّل باید قبول کنی که کارگری، بعدش تو هم کم کم یاد
میگیری...

دختر فکر کن منم یه کارگرم، که هستم. فکر کن منم مثل تو از
زندگیم راضی نیستم، که نیستم. باید چه کار کنم به نظر تو

کارگر قرار نیست تو یک نمایشنامه‌ی کوتاه همه چی رو یاد بگیری
دختر خاله. نکنه فکر کردی پرسشنامه‌ی مسئولین «ستادِ
قوز و بحرانِ قوزِ بالای قوز» هستش که پولشو جلوجلو بگیرن
و سرِ مستراح سؤال بنویسن و بعد هم تو تلویزیون و
سخنرانی بیان بگن مشکلات رو حل کردیم. یواش یواش.
سؤال بازم داری یا تموم شد؟

دختر (گیج و مبهوت و شرمنده) بقیه‌شو خودم پُر می‌کنم

کارگر خدا خیرت بده

دختر ممنون که وقت گذاشتین

کارگر خیر پیش

دختر خداحافظ... (و می‌رود)

پایان

تابستان ۹۹